

نهادهای تمدنی و بسط همگرایی در جهان اسلام

رسول نوروزی فیروز^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۷

چکیده

از جمله موضوعات بنیادین در مطالعات تمدنی، بررسی نقش نهادهای تمدنی است. در این قلمرو مطالعاتی، یکی از مسائل مهم، نقش این نهادها در رسیدن به کنشهای معطوف به تمدن است. پرسشی که در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود این است که نهادهای تمدنی در تمدن اسلامی چگونه فرایند رسیدن به کنشهای معطوف به تمدن، همچون بسط گستره تمدنی و یا ایجاد حوزه اعتبار برای تمدن در راستای افزایش سطح همگرایی در جهان اسلام را فراهم می‌آورند. به نظر می‌رسد - به عنوان فرضیه - نهادهای تمدنی همچون نهاد علم و نهاد اقتصاد از طریق سازوکارهایی مشخص در کنشهای معطوف به تمدنی، همچون جلب همکاری و همگرایی مشارکت می‌کنند. در این پژوهش تلاش می‌شود ضمن بررسی نمونه‌هایی عینی از نهادهای تمدنی آموزشی (جامعه المصطفی از ایران و سیستم مدارس گولن از ترکیه) و نهاد اقتصادی اسلام‌گرایان ترکیه نمونه موردی گولن، فرضیه مورد نظر به آزمون گذاشته شده و نشان داده شود که رویکردهای اسلامی به آموزش و اقتصاد، سبب بسط و تقویت همگرایی از سوی هردو گروه شده است.

واژگان کلیدی: تمدن، ایده هدایت‌گر، نهاد تمدنی، همگرایی، جهان اسلام.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی / rasoolnorozi@gmail.com

مقدمه

تمدن‌ها پدیده‌هایی متکثر و کثرت‌گرایی هستند که این ویژگی، کنش فرایندی را برای آنها به ارمغان می‌آورد. این کنش از طریق تکثرات درون تمدن - که سازنده هویت تمدنی آن است - رخ داده و آن را به سمت ارتباط و تعامل با محیط بیرونی سوق می‌دهد. در ساخت هویت تمدنی، عناصر بسیار متعددی نظیر دین (مذهب)، اقتصاد، زبان، نژاد، و ... دخیل است که بسته به نوع تمدن، یکی از این عناصر در کانون گفتمان تمدنی و سایر متغیرها به صورت مؤلفه‌های دیگر، تابع این عنصر کانونی عمل می‌کنند. در این وضعیت برای تمدنی که کنشگری آن ممکن است در قامت یک دولت تمدنی رخ نماید، این قابلیت و امکان وجود دارد که این منبع و عنصر کانونی، متعلق به اراده قرار گیرد و در راستای تأمین اهداف از آن بهره‌مند شود. به عنوان مثال ممکن است دین (مذهب)، که در کانون هویت‌سازی برای تمدن اسلامی قرار دارد، از طریق تولید نهادهایی، کنشگری تمدنی را فراهم آورد. در این پژوهش به بررسی چگونگی اثرگذاری مذهب بر کنش تمدنی پرداخته خواهد شد و تلاش می‌شود این کنش در فضای تمدنی جهان اسلام در دوره معاصر تطبیق داده شود. از این رو نخست به ارائه بحثی با عنوان نقش نهادها در ارتباطات تمدنی پرداخته می‌شود و سپس به نهادهای علمی و اقتصادی مطرح در جهان اسلام معاصر اشاره می‌گردد. از نهادهای علمی، به جامعة المصطفی ص از جمهوری اسلامی ایران و مدارس گولن از جریان اسلام‌گرایی میانه‌رو ترکیه اشاره شده و سپس به نهاد اقتصادی همین گروه پرداخته می‌شود، تا بتوان به چشم‌انداز روشنی از دو کنشگری که در جهان اسلام، داعیه‌دار حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی می‌باشند، ارائه دهیم.

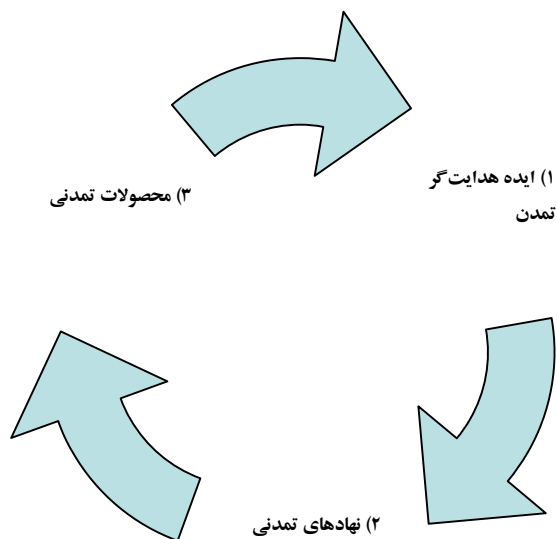
پرداختن به نهادهای برآمده از مذهب، همچون نهادهای دانشی و نهادهای اقتصادی مذهبی از باب تقلیل مذهب به دو عامل مشخص نیست، بلکه می‌توان دهها عامل برآمده از مذهب مؤثر بر کنشهای تمدنی نظیر انقلابهای اجتماعی - سیاسی، جریانه‌ها و جنبشهای مختلف مذهبی، مناسک و آداب بین‌المللی مذهبی در ادیان و مذاهب مختلف و ... را لیست کرد و به آن پرداخت. ورود به دو عنصر زیر نخست از باب اهمیت آن در دهه‌های گذشته است. این اهمیت هم در بعد عملی رخ داده است که شواهد مختلفی می‌توان برای آن ذکر کرد و هم از باب اینکه برخی از کشورهای اسلامی معاصر براساس این دو عامل تلاش دارند تا کنشهای بین‌المللی خود را صورتبندی و اجرا نمایند، که در فرایند بررسی به آن اشاره می‌شود. اهمیت وجود نهادهایی که ریشه در دین و مذهب دارند، در چند دهه اخیر در کانون توجه قرار گرفته است. جایگاه کنفوسیوس‌سیسم در مناسبات بین‌المللی چین، جایگاه اسلام‌گرایی اجتماعی در مناسبات بین‌المللی ترکیه که این کشور را در سیاست خارجی مشهور به سیاست خارجی دینی کرده است، بهره‌مندی کشورهایی مانند مالزی و اندونزی از ظرفیت اسلامی در مناسبات و روابط بین‌المللی خود و ... نمونه‌هایی از تلاش برای به کارگیری مقولات دینی برای به دست آوردن منابع لازم در برآورده‌سازی اهداف مرتبط با ساخت و احیای تمدن در دوره معاصر است.

تبیین فرایند کنشگری نهادهای تمدنی مبتنی بر مذهب

استفاده از تحلیل تمدنی، به منظور فهم و تبیین مفاهیم و نهادهای مرتبط با کنشگری تمدنی مطرح می‌شود. در این رویکرد، تحلیل تمدنی بر تمدن به عنوان یک مفهوم مفرد مرتبط با پیشرفت متمرکز می‌شود که با نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و عملکردهای جوامع در ارتباط خواهد بود (O'Hagan, 2007, P.16). تحلیل تمدنی

عناصر سازنده هویت تمدنی را در نظر می‌گیرد. در این فرایند تمدن از یک ارزش و ایده کانونی یا ایده هدایت‌گر (به عنوان مثال تشیع) برخوردار است و تلاش می‌کند براساس آن ارزشها، نهادهایی را تأسیس نماید. این نهادها محصولاتی را به جامعه مخاطب خود عرضه می‌کنند. در صورتی که این محصولات مورد تقاضا و به عبارت بهتر، مصرف آن جامعه باشد، ایده تمدنی کانونی (تشیع) بسط پیدا می‌کند؛ زیرا هر تمدنی یک یا چند مرکز دارد که در آن فعالیتهای فرهنگی اثرگذار و ویژه‌ای شکل می‌گیرد که سبب ظهور مکاتب مختلفی در درون آن می‌شود و براساس آن محیط پیرامونی خود را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این مکانها و نقطه اثرگذارهای آنها سبب جلب و جذب دیگران به تمدن می‌شود (Collins, 2007, P.132).

این نقطه اثرگذارها ممکن است نهادهای علمی، نهادهای اقتصادی و غیره باشند. یکی از این نهادهایی که به عنوان بارزترین نقطه اثرگذاری، شایسته بررسی است، «نهاد علم» است که در قالب دانشگاههای جدید و یا حوزههای علمی و ... تأسیس شده‌اند. به عنوان مثال دانشگاه جندی شاپور یکی از مهم‌ترین مراکز علمی جهان بود و از ۶۰ کشور جهان دانشجو و دانشمند در آن حضور داشتند. امروزه این امر در مورد بسیاری از مراکز علمی جهان صدق می‌کند و می‌تواند به عنوان معیاری برای تأثیر و تأثر دو جانبه تمدنها مورد بررسی قرار گیرد. پرداختن به این نهادها از این منظر اهمیت دارد که مطالعات مرتبط با فعالیتهای کنشگران در محیط پیرامونی خود، - به عنوان مثال حوزه مطالعات سیاست خارجی دولتها - متکفل شناخت پدیده‌هایی است که امکان همکاری یا واگرایی را فراهم می‌کند (هیل، ۱۳۸۷ش، ص ۱۵). از این رو توجه به عناصر سازنده نهادها (جزئیات مرتبط با این نهادها)، از این جهت که بر تعاملات بین‌المللی و پیرامونی آنها اثرگذار است، اهمیت می‌یابد.



شکل ۱: چرخه بازتولید تمدن‌ها

این عناصر سازنده می‌توانند نهادهای برآمده از متغیرهای قانونی مذهب باشند. نهادهای برآمده از مذهب را می‌توان در دسته‌بندیهای مختلفی شناسایی کرد: نهادهای دانشی، اقتصادی، اجتماعی، و ... در این میان نهادهای دانشی و اقتصادی برآمده از مذهب از جمله متغیرهایی هستند که در فرایند تمدن‌سازی مشارکت عمده‌ای داشته و به اصطلاح به مثابه یک منبع عمل می‌نمایند. این نهادهای دانشی در سراسر جهان در تجربه‌های تمدنی مختلف همواره مورد توجه بوده‌اند. نهادهای دانشی خود را در شاخه‌های علمی، مکاتب علمی مختلف در هر شاخه، مدارس، کتب، مراجع علمی، تربیت طلاب و ... نمایان می‌سازند. امروزه در نهاد دانشی تشیع می‌توانیم از شاخه‌های علمی مختلف در دانشهای فقه، کلام، اصول و ... نام ببریم. به عنوان مثال فقه شیعی به مکاتبی نظیر مکتب شیخ طوسی، مکتب جبل عامل، مکتب حله، مکتب اصفهان، مکتب نجف، مکتب قم، مکتب کربلا و ... تقسیم می‌شود. حوزه‌های علمی شیعی نیز در سراسر

کشور ایران و عراق و لبنان و ... رشد قابل توجهی داشته و از کشورهای مختلف طلبه جذب می‌کنند و به پرورش و تربیت طلاب با ویژگیهای بسیار متفاوتی نسبت به دوران قبل می‌پردازند.

در تاریخ تمدنی نیز همواره میان مذهب و نهادهای دانشی ارتباط خاصی تعریف شده است و از آن در بسیاری از امور بهره گرفته می‌شد. وجود دانشگاهها و مراکزی نظیر دانشگاه جندی شاپور، نظامیه و ... نمونه‌هایی از این دست می‌باشند. امروزه این الگو در جهان اسلام، بسط و گسترش می‌یابد. ایران، ترکیه، مالزی، عربستان و ... از جمله نمونه‌هایی هستند که از این ظرفیت برای پیگیری ارتباطات بین تمدنی خود بهره می‌گیرند. این ارتباطات در بعد نخست به امکان ارتباط از طریق شبکه‌سازی در محیط پیرامونی، و در بعد دوم آن به مسئله رقابت در نظام بین‌الملل باز می‌گردد. این دو ویژگی در دوره معاصر - که به وضعیت جهانی شدن موسوم است - برای بازیگران تمدنی قابلیت انطباق‌پذیری و یا تاب‌آوری در مقابل جهانی شدن را فراهم می‌آورد. در ادامه به بررسی نهادهای دانشی برآمده از مذهب در دو کشور ایران و ترکیه پرداخته می‌شود، تا نحوه کنش این نهادها در فرایند همگرایی در جهان اسلام نشان داده شود.

نهاد دانشی، شبکه‌سازی و همگرایی در جهان اسلام

ماهیت متکثر تمدن سبب می‌شود که هویت تمدنی آن نیز متکثر شود؛ به عنوان مثال در مورد تمدن اسلامی، مناسب‌تر به نظر می‌رسد که به جای بحث در مورد یک تمدن اسلامی واحد و یکپارچه، با یک هسته فرهنگی بدون تغییر به طرح یک حوزه تمدنی اسلامی با مناطق متعدد فرهنگی متمایز بپردازیم (Kara Mustafa, 2003, P.105). در این وضعیت حوزه اعتبار تمدنی آنها سبب می‌شود که در وضعیت مناسبات بین تمدنی بتوانند از یک شبکه ارتباطی، درون تمدن اسلامی بهره‌مند شوند. در درون هر گستره تمدنی، ادیان، اقوام، نژادها، زبانها و ... مختلف وجود دارند. این امر یک نظام

ارتباطات جمعی مبتنی بر هویت‌های متعدد فروتمدنی را ایجاد می‌نماید که روان وئی (۲۰۱۲) از آن به ژئوتمدن (Geo civilization) یاد کرده است. ژئوتمدن یا جنبه‌های سیاسی جغرافیای انسانی (هیل، ۱۳۸۷ش، ص ۲۳۹)، سبب می‌شود که بر تعاملات بیرونی تمدنها و دولتهای تمدنی با نظام پیرامونی خود اثرگذار می‌باشد. فریدریک راتزل آلمانی نیز معتقد بود وسعت خاک یک کشور نشان‌دهنده قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی حکومت آن است. هر قدر خاک کشوری وسیع‌تر باشد، قدرت سیاسی و تمدنی آن کشور گسترده‌تر خواهد بود. اوهاگان نیز با استفاده از مفهوم گفتمان تمدنی به این بحث می‌پردازد که نهادهای اجتماعی و فرهنگی تا حد بسیار زیادی می‌توانند بین فرهنگهای مختلف و تمدنهای متفاوت، گذار داشته باشند؛ زیرا گفتمان هویت تمدنی می‌تواند در سنجش عادات و رسوم، هنجارها و نهادهای سایر تمدنها مفید باشد و موجب ثبات «خود» شود، به نحوی که سلسله مراتبی هنجاری در میان جوامع فرهنگی مختلف ایجاد نماید (O'Hagan, 2007, PP.16-21).

وجود شبکه‌هایی مبتنی بر حوزه اعتبار تمدنی که نماینده اصلی هویت تمدنی یک تمدن است، امکان ارتباط میان گستره و قلمرو تمدنی را فراهم می‌آورد. این شبکه‌ها ممکن است مبتنی بر امر معنوی نظیر تصوف باشد، ممکن است مبتنی بر یک ایده خدمات‌رسانی نظیر مؤسسات آموزشی باشد، ممکن است از طریق یک شبکه اقتصادی و ... شکل بگیرد. آرنولد توین بی بر این باور است که تمدن غربی شبکه نظام اقتصادی خود را در اقصی نقاط جهان گسترده است و به دنبال این وحدت اقتصادی، وحدت سیاسی نیز به صورت نسبی ایجاد شده است (توین بی، ۱۳۹۳ش، ج ۱، ص ۵۵). همگرایی در جهان اسلام را می‌توان از طریق شبکه‌های آموزشی و اقتصادی موجود شناسایی کرد.

شبکه‌سازی و ارتباطات بین تمدنی از طرق مختلفی رخ می‌دهد. طریق نخست تمایل بسیار زیاد تمدن به ایجاد رابطه با محیط بیرونی و پیرامونی براساس حوزه اعتبار

تمدنی خود دارد؛ زیرا تمدن به صورت قراردادی راههای صلح و نهادهای انسانی بزرگی که کالاها، تکنولوژیها و ایده‌ها را گسترش می‌دهند و سپس این محصولات را با دیگر تمدنها تبادل می‌کنند، مرتبط می‌شود (Melleuish, 2004, P.236). بنابراین احتمال اینکه در وضعیت حضور دولتهای تمدنی در مناطق مختلف، با ایجاد اتحادیه‌ها مواجه شویم بسیار زیاد است. این عمل به وسیله نهادهای تمدنی اتفاق می‌افتد که نمونه‌های برون‌گرایانه و همگراساز در جهان اسلام در موارد فوق مورد اشاره قرار گرفتند. در این موارد برداشت از تمدن، یک برداشت غیربنیادگرا، فرایندی، رابطه‌ای و متکثر است. کنشگری آنها به همگرایی، همکاری و رسیدن به سطح اتحادیه‌هایی تمایل دارد. به دیگر بیان برای داشتن جهانی آرام و صلح‌طلب، باید اشتراکها و پیوندهایی که از طریق گفت‌وگوهای سازنده بین تمدنها حاصل می‌شود، مورد تأیید قرار گیرد (Hobson, 2007, P.150). در این رویکرد، اقتباسهای تمدنی به صورت خودآگاه و اختیاری و به نحو الگوبرداری اتفاق می‌افتد؛ زیرا همواره لایه‌های اثرگذاری فرهنگی در تمدن، فربه و پرننگ‌تر از لایه‌های نظامی است. این وضعیت در بسیاری از حوزه‌های تاریخی تمدنی نظیر تمدن اسلامی دوره نخست، تمدن اسلامی دوره میانه - عثمانی صفوی گورکانی - اروپای دوره مدرن، و حتی چین و ... هم قابل رویت است. یعنی هرجا تمدنها رفتار تئوری پيله ابریشمی را در پیش گرفتند، قدرت خود را از دست دادند و هرجا وام گرفتن از تمدنهای دیگر را اجرا کردند، قدرت قابل توجهی به دست آوردند (Kara Mustafa, 2003, PP.103&104). استفاده از فرایند تأسیس نهادهای تمدنی و همچنین تولید محصولات، یکی از شیوه‌هایی است که در مقاطع مختلف تمدنی به آزمون نهاده شده و در دوره معاصر نیز به الگوی مناسبی برای بسیاری از کشورهای اسلامی تبدیل شده است. به عنوان نمونه، استفاده از محصولات دانشی مرتبط با نهادهای دانشی اقبال به آثار برخی از نویسندگان ایرانی نظیر حضرت

امام، علامه طباطبایی، استاد مطهری، دکتر شریعتی و ... در کشورهای مختلف اسلامی نظیر ترکیه، لبنان و ... است که در صدر پرمخاطب‌ترین آثار این کشورها وجود دارد (زارع، ۱۳۸۳ش، ص ۵۴). این امر محدود به هم‌مذهبان شیعه یا علوی نیست و مؤسساتی تحت اداره اهل سنت، اندیشه‌ها و آثار امام خمینی رحمته‌الله، علی شریعتی، مرتضی مطهری، جوادی آملی و ... را ترجمه و چاپ می‌کنند که همین امر موجب گسترش افکار اندیشمندان معاصر ایران می‌شود (بدل، ۱۳۸۳ش، ص ۲۹۹).

دومین جنبه‌ای که از طریق آن سبب اثرگذاری تمدن در همگرایی می‌شود، امکان کشف نقاط وصل و اشتراکات با حوزه پیرامونی است. به دیگر بیان تحلیل تمدنی به ما امکان شناسایی نهادهای تمدنی و شبکه‌های برآمده از آن را فراهم می‌سازد و در بازشناسی بازیگران تمدنی بسیار مفید است. و همه اینها ممکن است به صورت هویت‌های تمدنی خاص به مثابه ابزاری برای تعیین حد و مرز و یا مشروعیت بخشیدن به بازیها در چهارچوب تسلسل فرهنگی تجلی پیدا کنند. این مسئله در برخی از کشورهای اسلامی نظیر ترکیه نیز به همین نحو بوده است و پس از عبور دوره‌های هویتی تک‌محوری نظیر نژاد، یا تلفیق آن با مدرنیته در نهایت به ثبات و قرار هویتی رسیدند. در پایشهای آماری، ترک‌ها نیز هویت خود را براساس سه مؤلفه اسلام، ترک‌گرایی و مدرنیته تعریف کردند. امروزه مردم ترکیه خود را «مسلمان ترکِ مدرن» می‌دانند و برخلاف دوره آتاتورکی که خود را فقط ترکِ مدرن می‌دانستند، اسلام را مهم‌ترین منبع هویتی خود قلمداد می‌کنند (See: Rabasa, 2008). این نقطه سبب می‌شود که یک کنشگر تمدن بتواند نقاط وسط و اشتراک خود را با محیط پیرامونی شناسایی کند، نهادهایی متناسب با آن را طراحی و براساس آن محصولات عمده‌ای تولید و با استفاده از آن به بازتولید هویت تمدنی خود اقدام نماید.

در شیوه آخر که شکل عملیاتی آن است، شبکه‌سازی با تأسیس نهادهای دینی نیز میسر می‌شود. نهادهای دینی، سازمانهای مادی برای محصولات فرهنگی تولید می‌کنند:

مثلاً اماکن زیارتی، مدارس، مؤسسات، مراکز و مشاغل علمی (مثل حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، و مدراج موجود در آن)، متخصصین و حافظین قرآن و ... را فراهم می‌آورند. هر تمدنی نیز شبکه‌سازیهایی خاص خود را دارد، به عنوان مثال شبکه‌سازی در تمدن اسلامی و خلق ایده‌های روشنفکرانه در حوزه‌های نظیر فلسفه، علم و ... از مکانها و سازمانهای دینی مثل مسجد، مکتب، و ... ظهور و بروز می‌یابند. بنابراین نهادهای دینی در ایجاد انجمنها و جمعیتهای روشنفکرانه و علمی که ویژگی برجسته قلمرو پرستیژ تمدنی می‌باشد، نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کنند (Collins, 2007, P.143).

قطعاً این نهادها و محصولات بسته به تحولات مادی نیز متغیر خواهد بود.

ایران: نمونه موردی جامعه المصطفی

۱. افزایش سطح بینش بین‌المللی در حوزه علمیه قم

نخستین ویژگی و شاید به عبارت بهتر هدف نهاد دانشی جمهوری اسلامی ایران در چند دهه اخیر، وجه بین‌المللی نهادهای دانشی مبتنی بر مذهب در ایران است. امروزه بعد بین‌المللی حوزه علمیه قم شاید از سایر نهادهای علمی موجود در کشور قوی‌تر و وسیع‌تر باشد. به عبارت دیگر مهم‌ترین وجه تمایز جمهوری اسلامی ایران در بهره‌گیری از نهادهای دانشی، با برخی از کشورها نظیر ترکیه و مالزی در تأکید جمهوری اسلامی ایران بر نهاد دانشی فقه است. به این معنا که جمهوری اسلامی ایران، به جای گسترش نهاد مدرن دانشی - دانشگاه - نهاد مرتبط با ایده هدایت‌گر خود را در جهان اسلام بسط داده است. به نظر می‌رسد که بیش از ارتباطات دانشگاهی و حضور دانشجویان در رشته‌های مدرن، ارتباطات بین‌المللی حوزوی مورد توجه قرار گرفته است. فرایند توجه به حوزه علمیه قم در بین شیعیان جهان پس از انقلاب اسلامی رشد قابل توجهی داشته است که مباحث مربوط به آن در مباحثی نظیر بازتابهای فرهنگی انقلاب اسلامی

ایران به طور مفصل پرداخته شده است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۸۹ش، صص ۴۲، ۱۱۲ و ۱۵۹). پیامد این امر به لحاظ نهادی رشد بعد بین‌المللی حوزه علمیه قم می‌باشد. این رشد هم در تغییر نسل طلاب قابل مشاهده است، هم در تغییر نهادهای بین‌المللی که امروزه برجسته‌ترین نهاد آن جامعة المصطفی العالمیه می‌باشد که در کنار آن می‌توان به دانشگاه ادیان و مؤسسات متعددی که به جذب و تربیت طلاب بین‌المللی اختصاص یافته‌اند، اشاره کرد.

هر دو تغییر سبب تولید محصولاتی شده است که هم متفاوت از محصولات سابق حوزه علمیه است و هم محصولات حوزه علمیه قم را نسبت به محصولاتی که از سوی سایر نهادهای دانشی کشور تولید می‌شود، متمایز می‌کند. نتیجه این امر، رجوع بسیاری از نهادهای اصلی فعال در عرصه بین‌الملل به سمت حوزه علمیه قم است که در یک دهه اخیر بسیار رواج یافته است. مراکز فعال در عرصه بین‌الملل نظیر وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، و حتی نیروهای نظامی نظیر سپاه قدس و ... در وضعیت تعامل مطلوبی با حوزه علمیه قم قرار گرفته‌اند و رصد و شناخت این امر از مراودات دائمی این نهادها با حوزه علمیه قابل مشاهده است.

۲. جامعة المصطفی نمونه موردی نهاد دانشی مذهبی

جامعة المصطفی العالمیه به عنوان یک نهاد با محتوای حوزوی امروزه در بیش از ۶۰ کشور جهان نمایندگی مستقیم دارد: آفریقای جنوبی، آلبانی، آلمان، افغانستان، اندونزی، انگلستان، اوگاندا، برزیل، بلغارستان، بنگلادش، بنین، بورکینافاسو، بوسنی و هرزگوین، پاکستان، تانزانیا، تایلند، توگو، دانمارک، ژاپن، ساحل عاج، سوئد، سنگال، سوریه، سیرالئون، عراق، غنا، فیلیپین، قرقیزستان، قزاقستان، کامرون، کوزوو، کنگو، دموکراتیک، کومور، گامبیا، گرجستان، گویان، گینه، لبنان، ماداگاسکار، مالاوی، مالزی، مالی، میانمار، نروژ، نیجر، نیجریه، هند و ... از جمله واحدهای فعال هستند. از

مشهورترین فارغ‌التحصیلان این نهاد می‌توان به آیت الله زاکزاکى (نیجریه)، شیخ اللواتى (عمان) و ... اشاره کرد. این مرکز حوزوى بیش از ۵۰,۰۰۰ طلبه خارجى را در اختیار دارد که از ۱۲۲ ملیت مختلف می‌باشند. تاکنون نیز ۳۵ هزار نفر از این نهاد دانشى فارغ‌التحصیل شده‌اند. در جامعة المصطفی العالمیة رشته‌های اسلامى فقه، اصول فقه، قرآن، حدیث، فلسفه، عرفان، اخلاق، کلام، تاریخ اسلام و در حوزه علوم انسانى نیز رشته‌ها و گرایشهای همچون علوم تربیتى، حقوق، روانشناسى، اقتصاد، جامعه‌شناسى، علوم سیاسى، بانکدارى، ارتباطات، مدیریت و زبان و ادبیات زبانهای فارسى، عربى، انگلیسى، فرانسوى و روسى با رویکرد اسلامى ارائه می‌شود. این علوم در دو نظام آموزشى حوزوى و آکادمیک در قالب ۱۷۰ رشته و گرایش در سطوح نظام آموزشى حوزوى و نظام آموزشى دانشگاهى تدریس می‌شود (<http://www.miu.ac.ir/>).

همچنین در دوره‌های مجازى این دانشگاه ۵ هزار نفر از ۸۳ ملیت تحصیل می‌کنند. ۳ هزار استاد هیئت علمى و حق‌التدریسى و ۱۹۳ گروه علمى تربیتى در ۱۶۱ مدرسه پیوسته، ۱۱۰ مدرسه همکار و ۲۵ مدرسه تابعه وجود دارد. این نهاد در سالهای اخیر به صورت میانگین سالیانه ۵ هزار نفر ورودى داشته است (قنبرى، ۱۳۹۵ش) و به نظر می‌رسد در سالهای آتی، در شمار مراکز علمى بزرگ شمرده شود. این نهاد با نام آیت الله اعرافى شناخته شده است، و مدیریت آن از بدو تأسیس تاکنون بر عهده ایشان بوده‌اند و به نوعى پدر معنوى این نهاد دانشى - حوزوى است. از گزارشهای که ایشان ارائه کرده‌اند و بسیار اهمیت دارد، تعداد افرادى است که توسط این نهاد به مذهب تشیع گرویده‌اند. آیت الله اعرافى در گزارشى بیان می‌کنند که حدود ۵۰ میلیون نفر تاکنون از طریق دانش‌آموختگان جامعة المصطفی به مذهب تشیع روی آورده‌اند (اعرافى، ۱۳۹۶ش). این نهاد آموزشى صرفاً محدود به آموزشهای دروس رایج حوزوى (فقه، اصول و ...) نشده است و با ۱۹۳ گروه علمى تخصصى دینى گستره دانشى قابل توجهى

از علوم اسلامی را پیگیری می‌کند. در برخی از شعب جامعه المصطفی در کنار تحصیل علوم اسلامی آموزشهای لازم، مهارتهای زندگی و حتی کارآموزیهای فنی و حرفه‌ای نیز وجود دارد که در مناطق مختلف بسته به نیاز دانشجویان تعریف می‌شود. نمونه‌هایی از آن نظیر کامپیوتر، خیاطی و ... در برخی شعب آفریقا نظیر شعبه کنگو تجربه شده که از نمونه‌های موفق بوده است که حتی از سایر ادیان و مذاهب نیز به جامعه المصطفی جهت بهره‌گیری از آموزشهای دینی همراه با آموزشهای مهارتی استقبال نموده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷ش).

تولیدات پژوهشی و آموزشی جامعه المصطفی به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، اردو، آذری، ترکی استانبولی، هوسا، سواحیلی، بنگالی، تاجیکی در کشورهای انگلستان، اندونزی، مالزی، لبنان، هند، پاکستان، افغانستان و تایلند چاپ و منتشر می‌شود. جامعه المصطفی ۱۹ فصلنامه در حوزه مطالعات اسلامی به زبانهای مختلف منتشر می‌کند. همچنین اتحادیه دانشگاههای جهان اسلام (FUIW)، اتحادیه بین‌المللی دانشگاهها (IAU)، اتحادیه بین‌المللی رؤسای دانشگاهها (IAUP)، اتحادیه دانشگاههای آسیا و اقیانوسیه (AUAP) و اتحادیه دانشجویان جهان اسلام (Rohama) از جمله سازمانهای علمی است که جامعه المصطفی در آنها عضویت دارد (www.miu.ac.ir).

این نهاد با توجه به سابقه کوتاه مدت خود در فعالیتهای بین‌المللی، توانسته گسترش کمی و کیفی قابل توجهی را تجربه نماید. بین‌المللی‌سازی حوزه علمیه قم در وضعیت حداکثری را می‌توان مهم‌ترین دستاورد جامعه المصطفی العالمیه دانست. بین‌المللی‌شدن بینشِ طلاب حوزه‌های علمیه، سبب افزایش تعامل ایجابی آنها با نظام سیاسی می‌شود. نشانه‌های روشن تقاضا برای بین‌المللی‌شدن در حوزه علمیه قم را می‌توان در تعداد مراکز آموزشی - پژوهشی مرتبط با مطالعات بین‌المللی در قم مشاهده کرد. مؤسسه

بین‌المللی مطالعات اسلامی، جامعه المرتضی، تأسیس رشته مطالعات اسلامی به زبانهای خارجی در دانشکده زبان دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) مؤسسه تمدن توحیدی، پژوهشگاه بین‌المللی حج و زیارت، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی و ... نمونه‌های بارزی از این دست می‌باشد. امروزه قم را می‌توان به لحاظ حضور اتباع کشورهای مختلف بین‌المللی‌ترین شهر ایران دانست، هر چند هنوز نسبت به تأسیس رشته‌های مرتبط با مطالعات بین‌المللی در دانشگاه‌های تابع وزارت علوم در قم شک و تردیدهایی وجود دارد، و صرفاً در دانشگاه غیرانتفاعی مفید تلاشهایی برای تأسیس رشته مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل صورت گرفته است.

تفاوت بین‌المللی‌شدن در حوزه علمیه قم و سایر نهادهای علمی این است که در حوزه علمیه، از کشورهایی حضور دارند که غالباً در زمره جهان واپس نگه داشته شده، قرار دارند، در حالی که در بسیاری از نهادهای علمی، شروع شناخت جهان پیرامون از کشورهای توسعه یافته غربی است که این امر عمدتاً سبب ایجاد بحران در شناخت می‌شود؛ زیرا مانع شناخت حقیقی از جهان است. در این رویکرد فرد تحت تأثیر مؤلفه‌های مثبت جهان توسعه یافته قرار می‌گیرد و غالباً معایب آن که در جهان مستعمره شده ظهور و بروز می‌یابد را درک نمی‌کند. امروزه در حوزه علمیه قم از مفاهیمی نظیر نظام بین‌الملل، آنارشی، سیاست قدرت و حتی مفاهیم فرهنگی تری نظیر مدرنیته، جهانی‌شدن، هژمونی، استعمار و ... درک و شناخت متفاوتی نسبت به آن وجود دارد. به عنوان مثال امروزه فهم استعمار و پیامدهای آن در تعاملات طلاب ایرانی با طلابی که از کشورهای افریقایی حضور می‌یابند، ممکن شده است. وضعیتی که در آن هیچ‌گونه اراده‌ای برای تحول و تغییر و عبور از ظلم موجود در بین جوامع افریقایی مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد که این فرایند می‌بایست از استمرار بیشتری برخوردار شود و میان نهادهای دانشی در جهان اسلام، شناخت مفصل تری پدید آید. به عنوان مثال

طلاب و دانشجویان می‌بایست از وضعیت سایر حوزه‌های علمی شیعیان جهان، مراجع و علمای آنها، محتوای آموزشی، نحوه اداره و چگونگی دستیابی به امکانات لازم، دانشگاهها و مراکز و مؤسسات علمی فعال در این کشورها مطلع شوند. امروزه دوره‌ها و تورهای علمی خارجی در قم به نحو قابل توجهی افزایش یافته است. آثاری که مربوط به معرفی نخبگان جهان اسلام و یا علمای شیعه نگاشته می‌شود، به صورت چشمگیری مورد استقبال قرار می‌گیرد. این فضا نشاط علمی قابل توجهی را برای نسلهای جدید طلاب فراهم آورده است. حرکت بر مدار حوزه اعتبار تمدنی، فرصتهای بسیار فراوانی را برای حوزه علمیه قم فراهم آورده است. غالب طلاب جوان حوزه علمیه قم، دوستانی از کشورهای مختلف اسلامی نظیر ترکیه، آذربایجان، هند، پاکستان، بنگلادش، کشورهای آفریقایی و ... را در اختیار دارند. فرصتی که حتی برای بین‌المللی‌ترین رشته‌های دانشگاهی در پایتخت کشور فراهم نیست. هر چند بخش قابل توجهی از این ارتباطات ممکن است تحت تأثیر مسائل سیاسی و حمایت‌های نظام از این حرکت باشد، اما این تقاضا و تمایل دو طرفه از رونق بسیار بالایی برخوردار شده است.

ترکیه: جنبش فتح الله گولن به عنوان نمونه موردی (بعد آموزشی و اقتصادی)

در دهه اخیر مطالعات مرتبط به جریانهای تمدنی در جهان اسلام رونق چشمگیری یافته است. در سطوح مختلف علمی آثار مختلفی در زمینه رویکردهای تمدنی در کشور ترکیه و آینده تمدن خواهی آن به نگارش درآمده است. تحلیل و بررسی گفتمانهای موجود تمدنی در ترکیه معاصر، رقابت میان این گفتمانها و در نهایت فرایند ساخت تمدن اسلامی از منظر این گفتمانها، مورد رصد و بررسی قرار گرفته است. تقاضا برای احیای هویت تمدنی گذشته که با عنوان نوع‌گرای عثمانی خوانده می‌شود، با

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه افزایش یافته است، اما تفکر تمدنی در ترکیه معاصر به پایان دوره عثمانی و منازعه تمدنی میان عثمانی و غرب بازگشت می‌کند. اندیشمندانی همچون بدیع‌الزمان سعید نوری، سزایی کاراکوچ، نورالدین توپچو، ضیاء گوگالپ و ... تلاش‌های فراوانی کردند تا ابعاد مختلف افول تمدن عثمانی را تئوریزه و برای خروج از آن چاره‌ای بیاندیشند. تجویزهای تمدنی این اندیشمندان در سه دسته عمده سنت‌گرایی، ضدیت با سنت و انتخاب‌گریشی با حفظ اسلام قابل دسته‌بندی است. که هریک نیز زیرشاخه‌های مختلفی می‌یابد. دسته سوم به اسلام‌گرایان مدرن مشهور هستند؛ زیرا بر این باورند که جمع میان اسلام و مدرنیته امکان‌پذیر است. این دسته با نام بدیع‌الزمان سعید نوری و بعدها، محمد فتح الله گولن مشهور شده‌اند. نوری را پدر اسلام‌گرایی مدرن دانسته‌اند که اندیشه‌های وی مبنایی قرآنی دارد. وی مهم‌ترین مشکل در جهان اسلام را یأس و ناامیدی می‌داند که ریشه آن به جهل، فقر و تفرقه باز می‌گردد. از این رو نوری بخشی از تغییر و تحول در جهان اسلام را با تغییر و تحول در نظام آموزشی جستجو می‌نماید. هر چند نوری مصادف با پایان دوره عثمانی و بعدها دوره آتاتورک بوده است، و فرصت عملی کافی برای اجرای اندیشه‌های خود نیافت، اما پس از وی و مبتنی بر رسائل النور جنبش و نهضت نورچی‌گری در ترکیه رونق چشمگیری یافت و غالب جریانهای اسلامی را متأثر نمود. شهرت وی به امام نوری از جهت فراگیری اندیشه‌های وی در ترکیه و جهان اسلام قابل بیان است. پس از نوری، محمد فتح الله گولن با تأکید بر بعد آموزشی و اقتصادی اسلام، تلاش قابل توجهی برای پیگیری پروژه تغییر و تمدن‌سازی در ترکیه را پیگیری نمود (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۸ش).

تجربه موفق دیگری که در جهان اسلام متأثر از مذهب شکل گرفته است و می‌توان به عنوان شاهی برای حوزه اعتبار تمدنی و ارتباط آن مقوله مذهب دانست، مدارس

مرتبط با جنبش اسلامی گولنیسم در ترکیه است. مشهورترین سیستم مدارس بین‌المللی در ترکیه را جریان گولنیستهای ترکیه در اختیار دارند. ترکیه یکی از کانونهای تمدنی در جهان اسلام است که در جستجوی مدرنیته اسلامی و ساخت یک تمدن اسلامی در دوره پساجنگ سرد می‌باشد. این فرایند با رشد جریانهای اسلامی در این کشور همراه بود. اسلام موجود و فعال در کشور ترکیه، به اسلام آناتولی موسوم است که امروزه از آن به اسلام ترکی نیز یاد می‌شود. این اسلام به شدت متأثر از عرفان آناتولی است که ریشه در عرفان خراسانی دارد. در این کشور دو قرائت و دو رویکرد، نسبت به تمدن اسلامی وجود دارد: رویکردی که رسیدن به یک تمدن را از طریق دولت تمدنی پیگیر است که از آن به اسلام اربکانی یاد می‌شود و رویکرد دوم، رویکردی که از آن به اسلام‌گرایی اجتماعی یاد می‌شود. قرائت نخست رویکردی سیاسی به اسلام است، و قرائت دوم رویکردی فردی - اجتماعی به اسلام دارد. قرائت دوم با اندیشه‌های سعید نوری در ترکیه آغاز شده است که امروزه جریانهای بسیاری متولی آن هستند و از جمله بارزترین آن جریان اسلام‌گرای فتح‌الله گولن است که پس از کودتای اخیر ترکیه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. جریانهای اسلام‌گرای ترکیه به شدت نهادگرا می‌باشند و بر این باورند که برای به ثمر رساندن ایده‌های تمدنی خود، می‌بایست نهادهایی تأسیس کنند که این نهادها توان تولید و عرضه محصولات تمدنی جهت ایجاد حوزه اعتبار تمدنی را داشته باشند (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۷ش؛ ۱۳۹۶ش؛ ۱۳۹۳ش).

اگرچه تقلیل دادن یک حوزه و گستره تمدنی به یک جنبش و جریان صحیح نیست و نمی‌توان از آن برای دولت تمدنی الگو استخراج کرد، اما بررسی جریان اسلام‌گرایی اجتماعی در ترکیه به عنوان نمونه‌ای که میل به فضای بین‌المللی دارد و در تجربه چند دهه اخیر خود توانسته با تأسیس نهادهای آموزشی، اقتصادی، و همچنین نخبه‌گرایی، فضایی بسیار متفاوت را در سیاست خارجی دولت اردوغان رقم بزند و نوعی

مشروعیت‌سازی برای تلاش‌های این کشور در نقاط مختلف جهان داشته باشد. این رویکرد هزاران مدرسه، دانشگاه و مرکز آموزشی تأسیس کرده است، که از طریق آن ایده‌های تمدنی خود را نشر می‌دهد. آموزش، مهم‌ترین حوزه فعالیت جنبش گولن است که آن را از طریق تأسیس یک امپراتوری آموزشی در سراسر جهان تعقیب می‌کند. این امر هم در داخل ترکیه و هم در بسیاری از کشورها محقق شده است. لقب امپراتوری آموزشی هم ناظر به کمیت و تعداد مدارس گولن است و هم ناظر به کیفیت و توانایی جذب این مدارس از ادیان، مذاهب و گروه‌های انسانی با پایگاه‌های مختلف اجتماعی است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۷ش). آموزش با کیفیت، همراه با آموزش اخلاق، از طریق رفتار معلمان در این سیستم از اهمیت برخوردار است. در این جنبش ارزش‌های داخلی نه از طریق تبلیغ و ترغیب و درس مستقیم، بلکه با ارائه نمونه‌های خوب در تماس‌ها و رفتار روزانه انتقال می‌یابد. از این رو در مدل آموزشی گولن مهم‌ترین نقش را معلمان بر عهده دارند (Ozgur, 2012, P.29). بنابراین مدارس وی از برنامه‌های درسی دولتی پیروی می‌کنند و صرفاً با رفتار معلمان است که دانش‌آموزان به جنبش می‌پیوندند. در این مدارس بر رفتار نیک و احترام به بزرگ‌ترها و دیگر فضائل اخلاقی تأکید می‌شود. این شیوه، شیوه احمد یوسفی و بهاء‌الدین نقشبندی بود که توانست اسلام را در جمهوری‌های تازه استقلال یافته رواج دهد (ارس و کاهان، ۱۳۸۱ش، ص ۶۸). در این راستا جنبش گولن با تأسیس خوابگاه‌های دانشجویی، اردوگاه‌های تابستانی، دبیرستانها و مراکز آموزشی و فرهنگی، و مراکز انتشاراتی اهداف خود را تعقیب می‌کند. وی این مدارس را در بیش از ۵۲ کشور، از آسیای مرکزی گرفته تا بالکان، خاورمیانه، آفریقا، جنوب شرق آسیا، روسیه، کانادا، استرالیا، نیوزلند، چین، تانزانیا و ... تأسیس کرده است (نورالدین، ۱۳۸۳ش، ص ۱۹۶). در پی تحولات اخیر، بسیاری از مدارس وی در داخل ترکیه و در برخی از کشورها تعطیل شد و محدودیتهایی برای فعالیتهای

آموزشی جریان گولن ایجاد شده است. فتح الله گولن در تأسیس مدارس خود در منطقه آسیای مرکزی تلاش ویژه‌ای داشته و این امر نشان دهنده اهمیت این منطقه برای جنبش و همچنین جایگاه این جنبش در این منطقه می‌باشد (see: Miller, 2012). گولن می‌خواهد از بالکان تا چین شاهد نخبگانی باشد که ترکیه را الگوی خود قرار داده‌اند (ارس و کاها، ۱۳۸۱ش، ص ۶۷). برخی همچون نظامیان لائیک بر این باورند که دوری وی از سیاست به عنوان حربه‌ای است تا بتواند برای آینده در نهادهای مختلف ترکیه کادرسازی نماید و به نوعی متهم به کادرسازی برای دستیابی به قدرت است (نورالدین، ۱۳۸۳ش، ص ۱۹۷؛ ارس و کاها، ۱۳۸۱ش، ص ۶۸).

در مقوله آموزش فتح الله گولن پشتوانه‌های مالی و فرایندهای تأمین هزینه‌های آموزشی را با ساز و کاری متفاوت در نظر گرفت و آموزش را صرفاً به نظام آموزشی رسمی محدود نکرد؛ بلکه از طریق رسانه‌های جمعی و به ویژه تلویزیون، به جهت‌دهی افکار عمومی اقدام کرد. گولن بر این امر تأکید دارد که فراهم آوردن عدالت برای همه، نیازمند یک الگوی آموزشی مناسب و کارآمد در سطح و گستره جهانی است و تنها در سایه آموزش مناسب است که فهم درست از چگونگی احترام به حقوق دیگران محقق خواهد شد. گولن برای تحقق این هدف، اقناع نخبگان اجتماعی، صاحبان صنایع کوچک و بزرگ، برای حمایت از آموزش با کیفیت را در دستور کار خود قرار داد تا از پروژه وی حمایت کنند. این سازمانها، نهادهای غیرانتفاعی و مردمی بسیاری را تأسیس کردند تا به حمایت از سازمان آموزشی گولن بپردازند. از این رو سازمان آموزشی گولن محدود به ترکیه نشده و با حمایت این گروهها، گولن توانست در داخل و بیرون از ترکیه سیستم آموزشی خود را گسترش دهد. فرایند اقناع نخبگان و صاحبان صنایع به این صورت محقق شد که در فرایند نظام آموزشی گولن، صرفاً آموزش محدود به ذهن نمی‌شد، بلکه قلب و روح افراد نیز تحت تأثیر آموزشهایی قرار می‌گرفتند که در مؤسسات آموزشی گولن ارائه می‌شدند (Gulen, 2005 , XI-XIV).

به بیان دیگر اسلام‌گرایی اجتماعی، ایده هدایت‌گر است. مدارس، نهادهای اقتصادی، رسانه و ... نهادهای تمدنی جریان اسلام‌گرایی اجتماعی ترکیه به رهبری فتح الله گولن می‌باشند که تلاش می‌کنند محصولات تمدنی - فرهنگی خود - محصولات رسانه‌ای، محصولات دانشی و غیره - را به جهان عرضه کنند. این جریان با علامه بدیع الزمان سعید نوری در اواخر دوران عثمانی و نیمه اول قرن بیستم آغاز شد و بازگشت به اسلام در دستور کار قرار گرفت. اگرچه این جریان به سمت سیاسی شدن و رسیدن به قدرت تمایل ندارد و نهادهای سیاسی نظیر احزاب سیاسی را تشکیل نداده است، اما این جریان اسلامی در کنار نهادهای آموزشی خود نهادهای مالی متعدد را ایجاد کرد که قرائت متفاوتی از اقتصاد نسبت به سایر کشورهای اسلامی را ارائه کرده است. بازار، بازوی پرتوان دیگری است که در خدمت جنبش گولن قرار دارد و شامل نهادهای مالی و تجاری‌ای هستند که توسط طرفداران وی اداره می‌شود (Yavuz, 2003: P.181).

شبکه اقتصادی جنبش گولن (اقتصاد اسلامی) به عنوان نمونه موردی

مبانی اصلی اندیشه‌های گولن در بخش اقتصاد، اگرچه مشابه اندیشه‌های لیبرالیستی است، اما مستند به اسلام، قرآن، سنت و سیره پیامبر ﷺ است. مصادف شدن جنبش گولن با فضای اصلاحات اقتصادی اوزالیسم، موجب رشد اقتصادی ترکیه و رشد جنبش گردید (Rabasa, 2008, P.15)؛ زیرا دوره موسوم به اوزالیسم دوره‌ای بود که در آن آزادی‌سازی اقتصاد و جهانی‌سازی آن در دستور کار قرار گرفت و همین امر فرصت کافی در اختیار مسلمانان سنی آناتولی قرار داد تا بتوانند به طبقه متوسط (بورژازی) جدیدی تبدیل شوند (Yavuz, 2013, P.208). این نهادها در بخشهای مختلفی سرمایه‌گذاری کرده و هزینه‌های مدارس گولن نیز بر عهده آنها می‌باشد. فعالیتهای اقتصادی طرفداران گولن از شرق ترکیه و با اتکا به اندیشه‌های وی آغاز شد و امروزه از چنان گستردگی و قابلیت برخوردار است که از آنها به «ببرهای آناتولی» یا

«بیرهای سبز» یاد می‌شود. محصولات این گروهها امروزه در مراکز مد جهانی به فروش می‌رسند. توجه بسیاری از مراکز تحقیقاتی اقتصادی جهان به بیرهای آناتولی نشان از اهمیت این نهادهای اقتصادی، در اقتصاد ترکیه و جهانی می‌دهد. مؤسسه ثبات اروپا ESI در سال ۲۰۰۵م بررسی گسترده‌ای از بیرهای آناتولی به عمل آورد. این گزارش با عنوان «کالونیستهای اسلامی» به چاپ رسید (see: *Islamic Calvinists*, 2005). این جنبش در سال ۱۹۹۶م بانک اسلامی «آسیا فاینانس» را با هدف جمع‌آوری پول، جهت سرمایه‌گذاری در جمهوریهای ترک زبان و جلب توجه بازرگانان ترکیه به سوی کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد شوروی و تحکیم مناسبات با این کشورها تأسیس کرد، که مبتنی بر بهره نیست. ۱۶ شریک از این بانک حمایت می‌کنند و سرمایه آن بالغ بر ۱۲۵ میلیون دلار است (ارس و کاها، ۱۳۸۱ش، ص ۶۷). شرکتهای اقتصادی اسلام‌گرایان در اقتصاد ترکیه از موقعیت ممتازی برخوردارند و دارای شهرت جهانی می‌باشند. شرکتهایی نظیر اولکر قومباس، اخلاص، اتفاق، یمباش از جمله این شرکتها می‌باشند. ارزش سالانه صادرات این شرکتها فقط به کشورهای اسلامی ۸۰۰ میلیون دلار است (نورالدین، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۸). همچنین می‌توان به تأسیس شرکتهای مشترک با سرمایه‌داران سعودی با نام «راجچی للصیرفه» اشاره کرد (همان، ص ۱۸۹). از جمله بخشهای دیگری که جنبش گولن در آن سرمایه‌گذاری چشمگیری کرده، بخش گردشگری است. این گروه با تأسیس اقامتگاههای توریستی بدون فساد، مکانهای تفریحی مناسبی برای سرمایه‌دارهای متدین به وجود آورده است و استقبال قابل توجهی نیز در ترکیه از این اقامتگاهها شده است (خیرخواهان، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۹). خلاصه آنکه در بخش اقتصادی نیز جنبش گولن تلاش می‌کند تا فعالیتهایی را انجام دهد که با اسلام در تضاد نباشد. فعالیتهایی نظیر بانکداری اسلامی بدون ربا، بازار اسلامی، تولیدکنندگان مسلمان، تأسیس بیمارستانهایی که در آن مطابق مبادی آداب اسلامی رفتار می‌کنند، هتلها و اقامتگاههای اسلامی.

گولن را «ماکس وبر» جهان اسلام (Miller, 2012, P.52) و گروه وی را کالونیستهای اسلامی دانسته و طرفداران وی را با عناوینی نظیر پیوریتانیسم اسلامی خطاب می‌کنند؛ زیرا در باب فعالیتهای اقتصادی با تفاسیر متفاوتی که ارائه داد، توانست انگیزش لازم را در میان طرفداران خود برای تولید ثروت و مصرف آن در اعتلای جامعه اسلامی ایجاد نماید. صورت‌بندی مفهوم اخلاق در نزد گولن نظیر صورت‌بندی «وبر» از اخلاق است و این امر در حوزه اقتصاد و مفاهیم اسلامی مرتبط با آن نظیر زهد، انفاق، کار و ... شباهت بیشتری پیدا می‌کند (see: Ugur, 2014). وبر در مطالعه جهان مسیحیت دو مدل اخلاق اسلامی را ملاحظه می‌کند. اخلاق کاتولیک و اخلاق پروتستان که در اخلاق کاتولیک زهد به معنای بی‌ رغبتی کامل به دنیا است؛ یعنی فرد مسیحی کاتولیک هم در تولید و هم در مصرف می‌بایست زاهد باشد. اما در تفسیر پروتستانی در مقوله‌هایی نظیر زهد، فرد مؤمن می‌بایست صرفاً در مصرف زاهد باشد، اما در تولید با هدف خدمت به جامعه و هم‌نوع، می‌بایست حریص و آزمند (نه به معنای منفی) باشد.

گولن اخلاق اسلامی را به اخلاق کاربردی اجتماعی تفسیر کرده است که مهم‌ترین رکن آن کار زیاد، ریسک‌پذیری، سرمایه‌گذاری تولیدی، انباشت ثروت و خدمات عمومی است. این امور علل اصلی خیزش پروتستانها بوده است. گولن توانست با نفوذ دینی که در بین مسلمانان ترکیه داشته، این امور را تبدیل به ارزشهای دینی نماید. به دیگر بیان اسلام ترکی گولن، اسلامی فردگرایانه و طرفدار کسب و کار هرچه بیشتر، با نیت خدمت به خلق است (خیرخواهان، ۱۳۹۰ش، ص ۱۳۲). تمایز اندیشه‌های اقتصادی گولن با اندیشه‌های سرمایه‌داری غربی در این است که وی کسب ثروت را نه برای منافع فردی، بلکه برای منافع اسلام و خدمت به اسلام و مسلمانان می‌بیند. وی تفسیری متفاوت از عقلانیت ارائه می‌دهد؛ برخلاف عقلانیت مدرن که صرفاً به نفع

شخصی توجه دارد، وی بر این باور است که عقلانیت واقعی آن عقلانیتی است که هم به این جهان و هم به جهان آخرت توجه داشته باشد.

از جمله مهم‌ترین نهادهای اقتصادی حامی جنبش گولن، انجمن بازرگانان مستقل^۱ موسوم به موسیاد (MUSIAD) است که یکی از مشهورترین نهادهای مرتبط با جنبش گولن است که ارتباط اسلام با سرمایه‌داری را تبلیغ می‌کند. این گروه در مقابل گروه^۲ TUSIAD تأسیس شده است که وابسته به کمالیست‌های ترکیه است (Nasr, 2009, P.248).

ببرهای آناتولی توصیفی است که روزنامه‌نگاران ترکیه به گروه‌های اسلام‌گرای گولنیستی در اواسط دهه ۱۹۹۰م اطلاق کردند (See: *Islamic Calvinists*). برخی بر این باورند که حرف M در ابتدای این گروه، به حرف ابتدای MUSLIMS هست نه حرف ابتدای MUSTAKIL، از این رو آن را به انجمن بازرگانان مسلمان تعبیر کرده‌اند (Yavuz, 2003, P.1) و به نوعی آن را قدرت‌سازی در برابر لائیسزم و یک جنبش اقتصادی اسلامی دانسته‌اند؛ زیرا از جمله گروه‌های اقتصادی بودند که در به قدرت رسیدن جنبشها و گروه‌های اسلام‌گرا، مخصوصاً «حزب عدالت و توسعه» بسیار اثرگذار بودند (Keyman and Icduygu, 2005, P.188; Nasr, 2009, P.248). این گروه جزوهای دارد با عنوان «انسان اسلامی» که زندگی حضرت محمد ﷺ را که به تجارت اشتغال داشته است، توضیح می‌دهد. به نوعی گولنیها تلاش دارند در مباحث مربوط به خصوصی‌سازی به دین استناد کنند. نهادهای دیگر اقتصادی مرتبط با جنبش اسلامی ترکیه عبارتند از فدراسیون انجمنهای تجاری در منطقه مرمره^۳ (MARIFED).

1. MÜSIAD: Müstakil Sanayici ve İşadamları Derneği.

2. Turkish Industry and Business Association; TUSIAD: Türk Sanayicileri ve İşadamları Derneği.

3. FEDERATION OF BUSINESS ASSOCIATIONS IN MARMARA REGION.

و انجمن اتحاد در زندگی تجاری اقتصادی^۱ (ISHAD) است که در سال ۱۹۹۳م با هدف ارتقاء وضعیت تجارت بین الملل ترکیه تأسیس شد. کنفدراسیون بازرگانان و صنعت‌گران ترکیه^۲ (TUSKON) نهاد دیگری است که به نوعی نهادهای پیشین را در خود جای داده است. این نهاد، سازمانی گسترده است که نزدیک به ۴۰ هزار نیروی کار در اختیار دارد (Özel, 2010, PP.157&158). ابعاد آموزشی، مذهبی و اقتصادی جریانهای اسلام‌گرایی در ترکیه معاصر، به سیاست خارجی ترکیه ماهیتی دینی و یا به عبارت بهتر تمدنی داده است و دولت ترکیه از این وضعیت برای رسیدن به منافع و اهداف ملی و افزایش سطح همگرایی خود در جهان اسلام بیشترین بهره را می‌برد. همچنین ترکیه در تلاش است تا با تأکید بر زبان ترکی به عنوان زبان معیار در گستره تمدنی خود و همچنین قرائت‌های متصوفان از اسلام، هویت تمدنی خود در گستره عثمانی و اسلام آناتولی را احیا نماید.

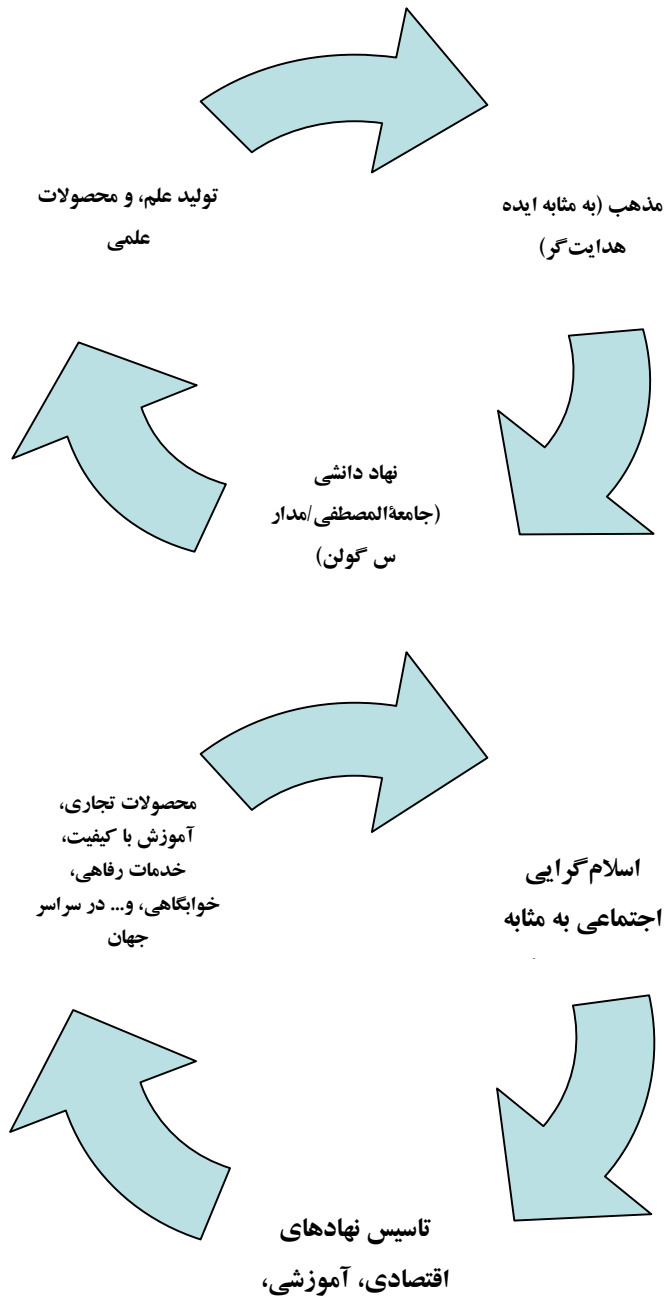
نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به این پرسش پرداخته شده است که چگونه می‌توان براساس تمدن، به منابعی دست یافت که از پایایی بیشتری برخوردارند و این امر سبب بهره‌مندی آنها در گسترش تمدن می‌شود. کنشگری در هر قلمرو به جمع میان منابع و اراده وابسته است. در این میان شناخت دقیق منابع از اهمیت بسیاری برخوردار است. تعلق اراده به منابعی که ارتباط حداقلی با حوزه اعتبار تمدنی داشته باشند، نتایج حداقلی به بار می‌آورد. از سویی دیگر شناخت این منابع به صورت دقیق و کارکردهای آن، امکان دستیابی به اهداف را حداکثری می‌نماید. مذهب به عنوان ایده کانونی و هدایت‌گر تمدن

1. ASSOCIATION OF SOLIDARITY IN BUSINESS LIFE.

2. Turkish Confederation of Businessmen and Industrialists (Turkish: Türkiye İşadamları ve Sanayiciler Konfederasyonu).

می‌تواند در عناصر متعددی اثر گذار باشد. در این پژوهش به بررسی مذهب و اثرگذاری آن بر نهادهای دانشی اشاره شد. دو نهاد دانشی در ایران و ترکیه مورد اشاره قرار گرفت که ایده هدایت‌گر مذهب بر آن مؤثر بود. این نهادها بدون آنکه بخشی از وزارت خارجه دو کشور باشند، تأمین‌کننده بخش قابل توجهی از اهداف و منافع و مصالح دو کشور هستند. تجربه این دو کشور در حضور در عرصه بین‌الملل براساس سیستم آموزشی مبتنی بر دانش دینی و یا مبتنی بر ایده و انگیزه دینی، تجربه‌ای متفاوت است که بررسی آن، نتایج ارزشمندی به دست می‌دهد. در این ارتباط به بررسی دو اراده شکل گرفته در کشورهای اسلامی؛ یعنی ایران و ترکیه و رقابت آنها در گسترش نهادهای دانشی خود در کشورهای مختلف پرداخته شد و نشان داده شد که چگونه می‌توان از ظرفیت دانش که حوزه اعتبار تمدنی است، در راستای گسترش حوزه اعتبار تمدنی بهره برد. این نهادها برای گسترش ایده کانونی خود - به عنوان مثال تشیع - محصولات را به جهان اسلام عرضه می‌کنند که در صورت توجه محیط پیرامونی به این نهادها، سطح همگرایی با کانون افزایش می‌یابد. نمونه‌ای نظیر آیت‌الله زکزاکی نیجریه برای درک اهمیت این حوزه اعتبار تمدنی و ارتباط نهاد با محصولات تولید شده کفایت می‌کند. تجربه‌های موفق انقلاب اسلامی ایران و جریان اسلام‌گرایی در ترکیه، در این مورد سبب شد که بخش قابل توجهی از مناسبات جهان اسلامی و بین‌المللی این دو کشور به این بخش اختصاص داده شود. این کنشگری الزاماً مختص و محدود به عرصه دولتی و رسمی نیست و حتی بخش قابل توجهی از آن تبدیل به کنشگری غیررسمی شده است و شاید بتوان گفت امروزه ابعاد تمدنی و جهان اسلامی آن، از کنترل دولتهای کانون خارج شده و در اختیار نهادهای دانشی به صورت استقلالی قرار گرفته است. در بخش اقتصادی نیز می‌توان چنین فرایند از کنشگری نهادهای تمدنی را نیز به تصویر کشید که به صورت نمونه موردی در پژوهش به کنشگری اقتصادی اسلامی، از منظر اسلام‌گرایان ترکیه اشاره کرد.



فهرست منابع و مآخذ

۱. ارس، بولنت؛ کاهان، عمر (۱۳۸۱ش)، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، ترجمه سید اسدالله اظهري، *مجله مطالعات خاورمیانه*، شماره ۳۲.
۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۶ش)، «مصاحبه با خبرگزاری مهر»، در: www.mehrnews.com/news
۳. بدل، حسن (۱۳۸۳ش)، «شرایط دینی و مذهبی کشور ترکیه»، *مجله طلوع*، شماره ۱۱۰ و ۱۱۱.
۴. توین بی، آرنولد جوزف (۱۳۹۳ش)، *بررسی تاریخی: حکایاتی از تمدنهای برجای مانده و منقرض*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
۵. خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۰ش)، «بیرهای آناتولی: همزیستی اسلام ترکی با نظام بازار آزاد: مورد کاوی جنبش فتح‌الله گولن»، *مجله چشم‌انداز/ایران*، شماره ۶۷.
۶. ذوالفقاری، سید محمد (۱۳۹۷ش)، «مصاحبه شخصی» در تاریخ: ۱۳۹۷/۴/۶.
۷. زارع، محمدرضا (۱۳۸۳ش)، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۸. نورالدین، محمد (۱۳۸۲ش)، *ترکیه، جمهوری سرگردان*، ترجمه صفرا روستایی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۹. نورالدین، محمد (۱۳۸۳ش)، *ترکیه، جمهوری سرگردان: بررسی روابط دینداران و سکولارها در جامعه ترکیه*، ترجمه سید حسین موسوی، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۰. نوروزی فیروز، رسول (۱۳۸۹ش)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر رفتار سیاسی ترکیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۱. نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۳ش)، «در جستجوی مدرنیته اسلامی (بررسی و نقد اندیشه‌های تمدنی بدیع‌الزمان سعید نورسی)»، *مجله نقد و نظر*، شماره ۷۴.
۱۲. نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۶ش)، «الهیات اجتماعی و تمدن اسلامی (بررسی آرای محمد فتح‌الله گولن درباره تمدن اسلامی)»، *مجله نقد و نظر*، شماره ۸۸.

۱۳. نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۸ش)، *گفتمانهای تمدن اسلامی در ترکیه معاصر*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. هیل، کریستوفر (۱۳۸۷ش)، *ماهیت متحول سیاست خارجی*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
15. Collins, Randall (2007), "Civilizations as Zones of Prestige and Social Contact", In: Saïd Amir Arjomand and Edward A. Tiryakian, *Rethinking Civilizational Analysis*, Sage Publications.
16. Gregory Melleuish (2004), "The Clash of Civilizations: A Model of Historical Development?" in: *Rethinking Civilizational Analysis*, Edited by Saïd Amir Arjomand and Edward A. Tiryakian, SAGE Publications.
17. Gulen, M. Fethullah (2006), *the Essentials of the Islamic Faith*, Light: Newjersey.
18. Hobson, John M. (2007), "Deconstructing The Eurocentric Clash of Civilizations: De-Westernizing the West by Acknowledging the Dialogue of Civilizations", in: M. Hall, P. Jackson (Eds.), *Civilizational Identity: The Production and Reproduction of 'Civilizations' in: International Relations, Culture and Religion*, Palgrave Macmillan.
19. Islamic Calvinists, Change and Conservatism in Central Anatolia, 19 September (2005), Berlin – Istanbul, available at: www.esiweb.org
20. Kara Mustafa, Ahmet (2003), "Islam: a civilizational project in progress"; in: *Progressive Muslims-Defining and Delineating Identities and Ways of Being a Muslim*, Oxford: One world Publications.
21. Keyman, Fuat; Icduygu, Ahmet (2005), *Citizenship in a Global World: European Questions and Turkish Experience*, Routledge.
22. Miller Christopher L; Balci, tamer (2012), *The Gülen Hizmet Movement: Circumspect Activism in Faith-Based Reform*, Cambridge.

23. Nasr, Seyyed Hossein (2009), "Civilizational Dialogue and the Islamic World", in: Al-Idrus Mohamed Ajmal Bin Abdul Razak (Ed.), *Islam Hadhari: Bridging Tradition and Modernity*, Kuala Lumpur: International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC).
24. O' Hagan Jacinta (2007), "Discourses of Civilization Identity", in: M. Hall, P. Jackson (Ed.), *Civilizational Identity: The Production and Reproduction of 'Civilizations'*, in: *International Relations, Culture and Religion*, Palgrave Macmillan.
25. Özel, Işık (2010), *Political Islam and Islamic capital the case of Turkey*, IN Haynes Jeffrey, (ED) *Religion and Politics in Europe, the Middle East and North Africa* Routledge.
26. Ozgur Iren (2012), *Islamic Schools in Modern Turkey: Faith, Politics, and Education*, Cambridge university press.
27. Rabasa, angel; Larabee, Stephan f. (2008), *the rise of political Islam in turkey*, Rand corporation.
28. Wei, Ruan (2012), "Geo-Civilization", *Comparative Civilizations Review*, No. 66.
29. www.miu.ac.ir
30. Yavuz, Hakan (2003), *Islamic Political identity in turkey*, oxford university press.
31. Yavuz, Hakan (2013), *Toward an Islamic Enlightenment: The Gülen Movement*, oxford university press.